

شناخت انسان، موضوعی است که همواره مورد توجه ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده است. کمتر نظام فکری و فلسفی‌ای وجود دارد که به نوعی به شناخت انسان نپرداخته باشد. از ادیان و مذاهب هند، فلسفه یونان و روم، تفکرات اندیشمندان قرون وسطای مسیحی، اندیشه‌های اصیل اسلامی، از رنسانس تا عصر حاضر، همواره شناسایی انسان و توجه به ابعاد وجود وی مورد نظر بوده است. از دو دیدگاه می‌توان به انسان نگریست: یکی از این دیدگاه که «انسان چیست؟»؛ یعنی چه صفات و انگیزه‌هایی در وجود وی نهفته است، یا دارای چه کشش‌ها، گرایش و فطریاتی است؟ از دیدگاه دوم، این مسئله مطرح است که «انسان چه باید بشود؟» به بیان دیگر، انسان چه هدفی را باید در حیات خود در نظر بگیرد تا با حرکت به سوی آن، به کمال وجودی خویش نایل شود. در دیدگاه دوم، راه‌ها و روش‌های نیل به کمال مطلق نیز مطرح می‌شود؛ یعنی اینکه انسان از چه مسیر یا مسیری باید طی طریق کند تا به مقام کمال وجودی‌اش برسد و شایسته عنوان انسان کامل گردد (نصری، ۱۳۷۶، مقدمه). بر این اساس، تعالی معنوی و تکامل اخلاقی انسان و به تعبیری خودشناسی از جمله مباحث مرتبط با انسان‌شناسی است. ادیان، بر اساس نگاهی که به سرشت و سرنوشت انسان دارند، مسیر رشد و تعالی معنوی بشر را به وی نشان می‌دهند؛ مسیری که به خودآگاهی و خداآگاهی منتهی می‌شود. آگاهی انسان از طبیعت خویش، وی را متوجه امکانات و محدودیت‌های وجودی‌اش می‌کند تا بر این اساس، در راه سیر و سلوک معنوی، که همان خودشناسی، خودسازی و بندگی است، گام بردارد.

این مقاله، با نگاهی به مبانی انسان‌شناسی آیین زرتشت، ابتدا به کاوش در مفهوم خودشناسی و سیر معنوی و اخلاقی انسان می‌پردازد، سپس دلالت‌های تربیتی برخاسته از مفهوم انسان‌شناسی زرتشتی را در مقوله‌های چهارگانه اهداف، روش‌های تدریس، ویژگی‌های معلم و متربی بررسی می‌کند. مطالعه انسان‌شناسی زرتشت، از دو جهت دارای اهمیت است: اول آنکه، مطالعه ادیان در قلمرو تخصصی ادیان و علوم دینی، به دلیل اینکه فهم عمیق‌تری از ادیان، تعالیم و تاریخشان فراهم می‌آورد، سودمند است. دوم اینکه، مطالعه ادیان و آگاهی از خط سیر تحول و تکامل آنها، می‌تواند به درک و دریافت هرچه بیشتر آنها رسید. به‌عنوان نمونه، با در نظر گرفتن اینکه اسلام صورت تکامل‌یافته ادیان پیش از خودش می‌باشد، با مطالعه ادیان پیش از اسلام، می‌توان به شناخت هرچه بیشتر اسلام راه یافت؛ زیرا مطالعه سیر تکامل و تحول ادیان پیش، علل منسوخ شدن آنها را روشن می‌کند. این مهم، هم کاستی‌های موجود در آن ادیان و تکامل برخی تعالیم، مفروضات و مفاهیم بنیادینی چون عدالت،

نگاهی به انسان‌شناسی زرتشت و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن

Sriazi.heravi@yahoo.com

bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir

شیدا ریاضی هروی / کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

بابک شمشری / دانشیار گروه مبانی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۲

چکیده

انسان‌شناسی، پس از خداشناسی محوری‌ترین مسئله نزد ادیان است؛ زیرا مبنای آفرینش جهان و فرستادن پیامبران، برای انسان و هدایت او بوده است. ادیان بر اساس بینش خود نسبت به انسان، مراتب تکامل معنوی او را در نیل به سعادت نهایی انسان ترسیم می‌کنند و خودشناسی را نخستین گام در پیمایش این مسیر می‌دانند. این مقاله با روش تحلیلی - استنتاجی، به بررسی نگرش زرتشت به انسان و ابعاد وجودی او، خودشناسی زرتشت، دلالت‌های تربیتی برخاسته از انسان‌شناسی وی، در مقوله‌های چهارگانه اهداف تربیتی، روش‌های تربیتی، ویژگی‌های معلم و متربی می‌پردازد. همچنین در این مقاله، بر اساس انسان‌شناسی زرتشت و استنتاجات تربیتی وی، به برخی مفاهیم و آموزه‌هایی که در خط سیر تکاملی ادیان، تحول و تکامل یافته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی زرتشت، خودشناسی زرتشت، اهداف تربیتی، روش‌های تربیتی، ویژگی‌های معلم، ویژگی‌های متربی.

محبت، تقوا و... را که همه ادیان به نوعی به آنها اذعان دارند، و صورت کمال‌یافته آن در دین اسلام متجلی و برجسته می‌سازد. از این رو، این مقاله با تبیین انسان‌شناسی زرتشت و دلالت‌های تربیتی آن، علاوه بر شناخت انسان‌شناسی زرتشت، امکان نیل به دریافت هرچه عمیق‌تر انسان‌شناسی از ادیان دیگر از جمله اسلام فراهم می‌آید.

انسان‌شناسی آیین زرتشت

بر اساس برخی بندهای اوستا، به‌ویژه آنچه در گات‌ها آمده است، در بینش زرتشت، انسان موجودی دوبعدی است و در وجودش، دو بعد روان (اورون) و تن (تنو) از یکدیگر قابل شناسایی و تمیز می‌باشند (قائم‌مقامی، ۱۳۷۸). از جمله گاهان ۳۱ بند ۱۱ و گاهان ۵۵ بند ۱ به این امر اشاره دارند. در این بندها، بُعد مادی و معنوی وجود انسان از یکدیگر متمایز شده‌اند. اورون یا روان، همان بعد معنوی و فناپذیر وجود انسان می‌باشد که در گاهان، از آن فراوان سخن به میان آمده است. واژه اوستایی «اورون» (urvan)، علاوه بر آنکه بر بعد غیرمادی وجود انسان دلالت دارد، یکی از نیروهای مینوی پنج‌گانه وجود انسان نیز است. این بعد معنوی در آیین زرتشت، دارای پنج نیروی نهادی و باطنی است که به ترتیب عبارتند از:

۱. اهو (ahu) یا جان: «اهو»، همان نیروی هستی، جنبش و حرکت غریزی زندگی است و آن را به «جان» معنا کرده‌اند. اما این جان ربطی به روح و روان، به مفهوم عالی آن ندارد؛ زیرا جان فاقد درک و تأثرات روحانی می‌باشد. جان همراه با جسم به وجود می‌آید و با رشد و نمو جسم، جان نیز نیرو و قدرت بیشتری می‌یابد. هنگامی که جسم بی حرکت شد و از بین رفت، جان نیز فانی می‌گردد. پس اهو یا جان انسان، همان نیروی غریزی حرکت و جنبش وی است که وظیفه آن نگهداری بدن و تنظیم اعمال طبیعی آن می‌باشد. این قوه، با بدن هستی می‌یابد و با مرگ جسم از بین می‌رود (رضی، ۱۳۴۴، ص ۱۱۹).

۲. دین یا دئنا (daena): ریشه این واژه از دئی به معنی دیدن و دریافتن گرفته شده است. واژه «دائنا» در اوستا به دو معنا آمده است؛ یکی، به معنی کیش و آیین و دیگری، به معنی وجدان یا بینش درونی. دین یا وجدان، نیرویی است که اهورامزدا در وجود بشر به ودیعه نهاده تا همواره او را از نیکی و بدی عملش آگاه سازد. در مجموع، دین یا وجدان نیروی تشخیص و تمیز انسان و راهنمای وی در زندگی وی می‌باشد. این نیرو، راه خوب را به انسان نشان می‌دهد و عمل به

آن را تشویق می‌کند، و راه بد را نیز با همه زشتی و زیان‌هایش به انسان نشان می‌دهد و وی را از عمل کردن به آن نهی می‌کند (همان، ص ۱۲۰).

۳. بوی یا بوژ (eaoza): در متون زرتشتی، «بوی» را گاه به هوش و ویر و دانش و مانند آن عطف کرده‌اند، ولی چنین می‌نماید که بوی، اعم از همه اینهاست. در حقیقت، این نیروهای فکری اجزای بوی‌اند (قائم‌مقامی، ۱۳۸۷). بوی، نیروی ادراک و فهم انسان است که وظیفه آن اداره خرد، هوش، حافظه و قدرت تمیز می‌باشد. این قوه با بدن به وجود می‌آید، اما پس از مرگ به روان پیوسته و به جهان ابدی می‌پیوندد (اورشیدری، ۱۳۷۱، ص ۱۵۶).

۴. اورون یا روان: «روان» نیرویی است که مسئولیت اعمال انسان را بر اساس آنچه او گزینش می‌کند، برعهده دارد و در جهان دیگر، بنابر شایستگی کردارش مؤاخذه می‌شود؛ گاهان ۷:۲۶ (در ستایش روان اشونان)، گاهان ۱:۵۰ به این نیرو اشاره دارند.

۵. فره وشی یا فروهر (farvahr): «فروهر»، آن نیروی اهورایی است که موظف است روان انسان را از گرایش به بدی‌ها بازدارد و او را به نیکی رهنمون کند و از این راه، موجب کمال معنوی او و پیوندش با اهورامزدا گردد (همان، ص ۳۷۴). اهورامزدا انسان را از روی صور روحانی عالم پاک فروهرها بیافرید و او را پاک و بی‌آلایش ساخت. اوصاف رذیله که آینه ضمیر وی را مکدر ساخته، یا وی را به آفات و مصائب مبتلا کرده، از اثر وسوسه و ضربت نیروی اهریمنی است؛ ولی آن جنبه ایزدی و آن روح عالم مینوی فروهر نام دارد که در باطن انسان به ودیعه نهاده شده است. فروهر، گرد آلایش به خود نمی‌پذیرد و پس از جدا شدن روان از کالبد، دگرباره به سوی عالم بالا از همان جایی که فرود آمده، بازمی‌گردد (اورشیدری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۵). به عبارت دیگر، فروهر همان نیروی ایزدی است که انسان را به سوی رسایی و جاودانگی راهنمایی می‌کند و سبب کمال مادی و معنوی وی می‌گردد. انسان از راه پالایش و پرورش روح خویش می‌تواند خود را به پایه فروهر برساند و از این راه، مراتب تعالی و تکامل معنوی را بیاماید و در نهایت، به دیدار و پیوند با اهورامزدا نائل گردد (شهبازی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۴).

مراحل تعالی خود در آیین زرتشت

در پیش زرتشت، تعالی معنوی انسان و نیل به اهورامزدا، از طریق آشناسپندان محقق می‌گردد؛ منظور از آشناسپندان، همان صفات الهی و فضایل انسانی هستند که آدمی با شناخت و کسب آنها، در مسیر

خودآگاهی و تکامل روحانی خویش گام می‌نهد و در نهایت، اهورایی می‌شود (آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰). همچنین در آیین زرتشت، امشاسپندان را دستیاران اهورامزدا تعبیر کرده‌اند که به منزله فرشتگان ادیان ابراهیمی هستند؛ آن دستیاران را امشاسپندان، یعنی جاویدان مقدس نامیده‌اند. در قسمت‌های مختلف اوستا، به‌ویژه هفت هات (هات‌های ۳۵ تا ۴۲ گاهان)، به امشاسپندان اشاره شده و این صفات اهورایی و موجودات فراابری، مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

۱. **وَهومَنَ (vohomanah)**، یا اندیشه نیک: آیین زرتشت بر سه اصل «هومت»، «هوخت» و «هورثنت» یا پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار است. زرتشت، نیک‌اندیشی را بنیان نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری انسان، و نیز سرچشمهٔ فروزش دیگر فروزه‌های نیک در او می‌داند. زرتشت نیک‌اندیشی را به دلیل اهمیت بنیادی که در ساختار اخلاق و رفتار بشر و در نهایت در روند تکامل زندگی در جهان دارد، بسیار ارج می‌نهد و می‌کوشد تا با تکرار فراوان تأثیر آن در پیشرفت همه‌جانبه زندگی، باور انسان را در درک اهمیت آن، آگاهانه به یقین برساند (خنجری، ۱۳۷۵، ص ۴۰). از آن جمله، می‌توان به گاهان ۳۱ بندهای ۲۱ و ۲۲ اشاره کرد.

۲. **آشاهیشْت (Asa Vahishta)**، یا بهترین راستی: در گاهان ۳۱ بند ۵ آمده است که «ای اهورامزدا! مرا از آنچه خواهد شد و آنچه نخواهد شد، بی‌گاهان تا در پرتوی دادِ "اشه" و "منش نیک"، آنچه را که برای من بهترین است، برگزینم و از آن پاداشی که به من خواهی داد، به شادکامی برسم» راستی در آرمان زرتشتی ستوده‌ترین صفت انسان است؛ انسان در سایه اندیشه نیک و گرایش به راستی، به اهورامزدا نزدیک می‌شود.

۳. **خَشْتِرا (khsathra Vairya)**، یا شهریاری مینوی: زرتشت بر این باور است که انسان، با پرورش این فضیلت در خویشتن، علاوه بر اینکه به دیو نفس خود لگام می‌زند و آن را تحت تسلط عقل در می‌آورد، از این توانایی در جهت بهبود اوضاع دیگران و برقراری داد و راستی در جهان نیز تلاش می‌کند (شهزادی، ۱۳۷۱، ص ۹۰). انسان با آراسته شدن به این فروزه، می‌تواند به صفات و ویژگی‌های اخلاقی و معنوی همچون گذشت و مهربانی، توانایی تسلط بر اراده و رفتار یا ایجاد هماهنگی بین خواست و خرد (خویشتن‌داری)، توانایی پیروی از نظام راستی، توانایی آزاده بودن و آزاده اندیشیدن و دفاع از حق و مبارزه با مظاهر بدی و دروغ آراسته گردد و در جهت خدمت به مردم و آبادسازی جهان گام بردارد (خنجری، ۱۳۷۵، ص ۴۲). چنان‌که در گاهان ۲۹ بند ۱۰ می‌خوانیم: «ای اهورا! ای اشه! اینان را از نیرو و "شهریاری مینوی" برخوردار کن. ای منش نیک! بدینان آن دهشی

را ارزانی دار که خانمان خوب و رامش بخشد» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۱۲). همچنین در بند نخست گاهان ۵۱ آمده است: «"شهریاری مینوی" نیک تو از آن کسی خواهد شد که با شور دل بهترین کردارها را به جای آورد» (همان، ص ۷۷).

۴. **سپنتا آرمیتی (spenta Armaiti)**، یا عشق و فروتنی: در جهان‌بینی زرتشت، هنگامی که انسان، به این فضیلت نیک آراسته می‌گردد، دلش مرکز عشق و مهر به اهورامزدا و سایر مخلوقات می‌گردد، آن‌گونه که در گاهان ۴۳ بند ۲ آمده است:

کسی که برای دیگران خواستار روشنایی است، روشنایی بدو ارزانی خواهد شد، از «سپتامینوی» خویش و در پرتوی «اشه»، دانش برآمده از «منش نیک» را به ما ببخش تا در زندگی دیرپای خویش همه روزه از شادمانی بهره مند شویم (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۳۹).

۵. **ه اُروتات (haurvatat)**، یا کمال و رسایی: «ه اُروتات» یا «خرداد» در اوستا، به معنای کمال و رسایی مینوی است. انسان، در این مقام به بالاترین درجه از کمالات معنوی دست می‌یابد و به نیکوترین فضائل اخلاقی آراسته می‌گردد، آن‌گونه که از رسایی و کمال، در زندگی مادی و معنوی‌اش برخوردار می‌شود (شهزادی، ۱۳۳۷، ص ۹۸). «ای مزدا! آنچه را شایسته تو و "اشا" است، با نماز به جای می‌آورم تا همهٔ جهانیان با "منش نیک" در "شهریاری مینوی" تو به "رسایی" رسند» (گاهان ۳۴ بند ۳، دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۳۲).

۶. **اُمِرتات (ameretat)**، یا جاودانگی: در گاهان ۴۵ بند ۷ آمده است: «روان آشون به جاودانگی و کامروایی خواهد پیوست»، انسان با نیل به گامه «اُمِرتات» از «فروهر» عالی‌ترین نیروی مینوی برخوردار می‌شود و روانش به اهورامزدا می‌پیوندد، ایرانی (۱۳۱۱) اُمِرتات را غایت آمال مزدیسنان و سرحد کمال انسان می‌داند.

ابعاد خود از نگاه زرتشت

در بینش زرتشت، کسب فضایل معنوی و تعالی خویشتن، موجب شناخت اهورامزدا، جهان هستی و سایر انسان‌ها و نیز تنظیم ارتباط با آنها می‌شود. از این رو، خود در فرهنگ زرتشت دارای ابعاد مختلفی است. البته این ابعاد برگرفته از متن اصلی اوستا نیست و تنها بر اساس برداشت‌ها و تفاسیر صورت گرفته برخی مؤلفان اوستا بیان شده است. این ابعاد عبارتند از:

۱. خود در ارتباط با شناخت اهورامزدا: در جهان‌بینی زرتشت، سرچشمه آفرینش، اهورامزداست و هریک از موجودات و مظاهر هستی، جلوه و نمودی از این حقیقت می‌باشند. اهورامزدا، خود جامع

چیستی مفهوم خودشناسی از نگاه زرتشت

بر اساس آنچه که پیش‌تر در باب انسان‌شناسی زرتشت و نیز مراحل تعالی معنوی انسان و ابعاد مختلف آن بیان شد، اکنون به اجمال، پرسش دوم این پژوهش را که چیستی مفهوم خود و خودشناسی استناد به انسان‌شناسی زرتشت است، استنتاج می‌کنیم. سپس، با توجه به این مفهوم، دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن را استخراج می‌کنیم.

انسان از طریق پالایش درون به صفات اهورایی آراسته می‌شود و در مرحله ه اُروتات، با رسیدن به کمال و رسایی به خودشناسی می‌رسد. سپس، بر اساس این خودآگاهی، در مرحله اُمرتات، روانش از فروهر برخوردار می‌گردد و به اهورامزدا می‌پیوندد و جاودانه می‌شود. این خودآگاهی، مقدمه‌ای برای شناخت اهورامزدا، جهان هستی و سایر انسان‌ها و تنظیم روابطش در ارتباط با هریک از آنها می‌گردد که نمود آن را در یگانگی با اهورامزدا، احترام به جهان هستی و مهرورزی در ارتباط با سایر انسان‌ها می‌توان مشاهده کرد. بی‌تردید هریک از نیروهای مینوی وجود انسان، به نحو خاصی به او در مسیر خودشناسی و نیل به اهورامزدا یاری می‌رسانند؛ دُنا، انسان را در گزینش میان خوبی و بدی راهنمایی می‌کند؛ بئوذ، اداره‌کننده انسان از نظر انجام تکالیف انسانی می‌باشد. اورون، مسئول اعمال انسان است و بر اساس گزینش او میان نیک و بد، سرنوشت نهایی کردار او را در اخذ پاداش یا مجازات تعیین می‌کند و در نهایت، فروهر، که عالی‌ترین نیروی مینوی وجود انسان است و آدمی با کسب فضایل معنوی و پیوند با اهورامزدا، از آن برخوردار می‌گردد.

دلالت‌های تربیتی برآمده از انسان‌شناسی زرتشت اهداف تربیتی از نگاه آیین زرتشت؛ نگاه انسان‌شناسی

- اهداف رابطه انسان با اهورامزدا: از آنجاکه وجود انسان، پرتویی از وجود اهورامزداست، صفات و فروزه‌های اهورایی بهمن، اشا، خسترا، مهر، رسایی و جاودانگی را در خود دارد. پرورش این صفات و فروزه‌ها، نه تنها انسان را به خودشناسی، بلکه به شناخت اهورامزدا و یگانگی با او می‌رسد. این وصال و پیوند با اهورامزدا، موجب می‌شود که انسان همواره در جهت رضایت اهورامزدا، که همانا مبارزه با بدی و برقراری نیکی در جهان است، تلاش کند (رستمی‌نسب، ۱۳۸۲).
- اهداف رابطه با جهان هستی: در پیش زرتشت، انسان خود به‌عنوان جزئی از نظام آفرینش وظیفه دارد با شناخت جایگاه خود در جهان هستی، به همه اجزای هستی، از آن جهت که آفریده اهورامزدا

صفات اهورایی وهومن، اشا، خسترا، سپنتا آرمیتی، ه اُروتات و اُمرتات است که به‌طور مطلق و نامتناهی در ذات وی وجود دارند. انسان، با همه ابعاد وجودش، اعم از مادی و معنوی پرتویی از وجود اهورامزداست و این صفات اهورایی را وجودش به همراه دارد. وجود صفات اهورایی در انسان، سبب ارتباطش با اهورامزدا می‌شود؛ زیرا با پرورش هریک از فروزه‌های اهورایی در خویشتن، ابتدا خود را که پرتویی از وجود اهورامزداست می‌شناسد و بعد، به شناخت اهورامزدا نائل می‌گردد (شهزادی، ۱۳۶۷، ص ۲۴). از آن جمله، می‌توان به گاهان ۳۴ بند ۱۱ تا ۱۴ و گاهان ۴۵ بندهای ۸ و ۹ اشاره کرد. گرچه در این قسمت، خود به‌عنوان منبع شناخت معرفی شده، اما در این بندها خود، ایزاری برای شناخت اهورامزدا در نظر گرفته شده است. در اوستا به مواضعی که بیانگر منبع بودن معرفت نفس برای خداشناسی باشد، اشاره‌ای نشده است.

۲. خود در ارتباط با شناخت جهان هستی: طبق تعالیم زرتشت، هر انسانی وظیفه دارد به طبیعت و اجزای آن احترام بگذارد و از آنها محافظت کند. اساساً در پیش زرتشت، انسان باید تا آنجا که توان دارد، به مینوی کردن جهان مدد رساند (بویس، ۱۳۷۴، ص ۳۰۱). احترام به آتش، به‌عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و افروخته نگهداشتن آن و انجام مراسم خاص در اطراف آن، در معابدی به نام «آتشکده» به رهبری موبدان مشخص‌ترین ویژگی این آیین است. همچنین آبادانی کشاورزی، دامداری و احترام به حیوانات از مواردی است که مورد ستایش این آیین قرار گرفته است (توفیقی، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

۳. خود در ارتباط با سایر انسان‌ها: انسان زرتشت، انسانی است که در ارتباط با دیگر انسان‌ها مهربان و دلسوز است و با گرایش به داد و راستی، همواره در راه مبارزه با ستم و برقراری رفاه و آرامش در جامعه تلاش می‌کند (افتخارزاده، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳). آن‌گونه که در گاهان ۴۵ بند ۹ آمده است: «بشود که اهورامزدا با شهریاری مینوی خویش، ما را نیروی کار کردن بخشد تا در پرتوی "منش نیک" و "اشه" و با "نیک آگاهی" به پیشرفت کار مردمان بکشیم» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۵۳).

۴. خود در ارتباط با خویشتن: آراسته شدن به فروزه‌های اهورایی وهومن، اشا، خسترا، سپنتا آرمیتی، ه اُروتات و اُمرتات، سبب کسب فضائل اخلاقی و موجبات رشد و تعالی معنوی انسان را فراهم می‌آورد. چنان‌که در بند نخست گاهان ۴۷ می‌خوانیم: «هورامزدا با "شهریاری مینوی" و "آرمیتی" خویش، کسی را که با "بهترین منش" و گفتار و کردار به "سپند مینو" و "اشه" پیوندد، "رسایی" و "جاودانگی" خواهد بخشید» (همان، ص ۶۳).

هستند، عشق بورزد. این نگرش مهرورزانه نسبت به جهان هستی و پدیده‌های موجود در آن موجب می‌شود که انسان ضمن توجه و احترام به طبیعت و اجزای آن، در جهت حفظ و نگهداری آنها بکوشد و از تخریب و نابودیشان جلوگیری کند (قدردان، ۱۳۸۷، ص ۸۳).

۳. اهداف رابطه انسان با خویش: در فرهنگ زرتشت، آگاهی از خویشتن، انسان را به فضایل اخلاقی، اندیشه نیک، راستی، شهریاری اهورایی، مهر، رسایی و جاودانگی آراسته می‌گرداند. کسب این فضایل اخلاقی، موجب گرایش انسان به نیکی، در اندیشه، گفتار و رفتار می‌شود. این امر خود موجب تعالی معنوی انسان و رستگاری وی می‌گردد (رستمی‌نسب، ۱۳۸۲).

۴. اهداف رابطه انسان با سایر انسان‌ها: در آموزش‌های زرتشت، مقصود از آفرینش و نتیجه زندگی این است که آدمی در آباد کردن جهان و شادمانی خود و دیگران بکوشد و با «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» خود را شایسته رسیدن به اوج کمال و پیوستن به بهروزی و جاودانگی گرداند (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۳۶). جامعه ایده‌آل زرتشت، جامعه‌ای عاری از خشم، ستم، دروغ و آرمیده در صلح و صفای انسانی است (افتخارزاده، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶).

روش‌های تربیتی از نگاه آیین زرتشت؛ نگاه انسان‌شناسی

۱. خردورزی (تفکر و استدلال): از آنجاکه در تعلیم و تربیت صحیح افراد، توانایی تعقل و تفکر از ارکان اصلی جریان تعلیم و تربیت است، پرورش استعدادهای ذهنی و شناختی و رشد عقلانی و فراگیری علوم و معارف برای بارور کردن این توانایی، از اهداف مهم تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آید (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۷۳). در بینش زرتشت نیز تعقل و خردورزی از جایگاه والایی برخوردار است.

آنگونه که وهومن یا اندیشه نیک، اولین گام در طی مسیر کمال انسانی و نیل به خودشناسی و خداشناسی محسوب می‌شود. از نگاه زرتشت، انسان با تکیه بر اندیشه و خرد خود می‌تواند راه درست را برگزیند و به راستی گراید و با هماهنگ ساختن اندیشه، گفتار و کردار خود با راستی و آگاه کردن دیگران، بشریت را به خوشبختی رساند (رضوی، ۱۳۸۴).

در گاهان ۳۰ بند ۲ آمده است: «ای هوشمندان! بشنوید با گوش‌های خویش بهترین سخن را و ببینید با منش روشن و هریک از شما، چه مرد و چه زن، پیش از آنکه رویداد بزرگ به کام ما پایان گیرد، از میان دو راه، یکی را برگزینید و این پیام را به دیگران بیاموزید» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۱۴).

۲. توأم بودن علم و عمل: دیویی عقیده دارد که تربیت بایستی از فعالیت‌های جاری زندگی انسان نشئت

بگیرد و به موقعیت‌های فعلی مربوط باشد، آنگونه که دانش‌آموز، دانش و معلومات خود را از راه تجربه و عمل و طبق روش «حل مسئله» کسب کند (شکوهی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۴).

زرتشت نیز معتقد است: علم و عمل انسان باید بر هم منطبق باشد. در بینش زرتشت، انسان متعالی کسی است که اندیشه و گفتار و عملش هماهنگ با یکدیگر است، هیچ‌گونه تمایزی میان آنها وجود ندارد. از این رو، توأم بودن علم و عمل، از مهم‌ترین روش‌های تربیتی برخاسته از مفهوم انسان‌شناسی زرتشت می‌باشد؛ زیرا از نگاه زرتشت، نیل به کمال انسانی مسیری است که با اندیشه و خرد نیک انسان آغاز می‌گردد و با عمل به گفتارهای مبتنی بر اندیشه پایان می‌پذیرد. در بند نخست گاهان ۴۹ می‌خوانیم: «ای مزدا! با پاداش نیک به سوی من ای و مرا پناه بخش تا در پرتوی "منش نیک" او را شکست دهم» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۶۹).

۳. درون‌نگری و پالایش روان: درون‌نگری، تهذیب و پالایش نفس موجب رشد و تعالی معنوی انسان می‌شود. بر این اساس، یک نظام تربیتی که هدفش تحول و معرفت درونی انسان است، بایستی از برنامه‌ها و روش‌های تدریسی بهره‌گیرد که سبب تهذیب نفس متری می‌شوند و او را قدم به قدم به اصل وجودی‌اش نزدیک می‌کنند (شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۲۸۲).

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، هدف نهایی دین زرتشت، پرورش انسانی است که از طریق رشد و تحول درونی و پیرایش جان و روانش از بدی‌ها به مرتبه رسایی و جاودانگی برسد. بر این اساس، در فرهنگ زرتشت، درون‌نگری و پیرایش روان از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. به‌گونه‌ای که از مهم‌ترین روش‌های تربیتی این دین، برای آراسته شدن به فضائل معنوی است.

ویژگی‌های معلم از نگاه آیین زرتشت؛ نگاه انسان‌شناسی

۱. یک الگوی عملی برای متری باشد: اگر معلم بخواهد در طی مسیر تکامل اخلاقی به متری کمک کند بایستی خود، الگویی عملی برای متری باشد. زرتشت به اخلاق بخصوص در بعد عملی آن تأکید بسیاری دارد و پایبندی به اصول اخلاقی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را در نیل به اهورامزدا سفارش می‌کند (ضمیری، ۱۳۷۳، ص ۳۲). در اوستا، زرتشت معلم خوانده شده است. چنان‌که در گاهان ۲۹ بند ۷ و ۸ آمده است (صدیق، ۱۳۳۶، ص ۶۱): «کیست آنکه از تو است و مردمان را به راستی یاری خواهد بخشید؟ یگانه کسی که من در اینجا می‌شناسم که به آموزش ما گوش فراداده "زرتشت سپیتمان" است. تنها او خواهان آن است که سرودهای ستایش مزدا و اشه را به گوش

مردمان برساند؛ هم از این رو او را گفتاری شیوا و دلپذیر دادیم» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۱۲). همچنین در بند ۱۱ می‌خوانیم: «ای اهورامزدا! اکنون که ما را یاوروی رسیده است، ما نیز آماده یاری رساندن هستیم» (همان، ص ۱۳).

۲. **ایجاد تحول درونی در مرتبی:** سیر باطنی و تکامل معنوی فرایندی درونی است؛ فرد از راه درون‌نگری و تأمل در لایه‌های گوناگون وجودی خود، بخصوص در سطح ناخودآگاه، به تعالی روحی می‌رسد. برای نیل به این مهم، معلم وظیفه دارد تا با درگیر ساختن همه ابعاد و لایه‌های مختلف وجود متعلم، اعم از عقل، احساس، ارزش‌ها و باورهای او و کشف لایه‌های باطنی وجودش، موجبات رشد و تحول درونی وی را فراهم آورد (شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۳۰۷). در نگرش زرتشت نیز چنین است؛ معلم فردی است که مرتبی را با دنیای درون خویشتن، یعنی با احساسات و عواطف باطنی‌اش آشتی می‌دهد و از این راه، موجب رشد و تحول درونی مرتبی می‌شود. در گاهان ۴۹ بند ۵ می‌خوانیم: «کسی که با دل و جان دین خویش را به منش نیک ببیوندد، به آرمیتی و در پرتوی اشته به نیک‌آگاهی خواهد رسید. چنین کسی با همه اینها در پناه شهریاری مینوی تو جای خواهد گرفت» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۷۰).

۳. **مربی نقش راهنما و تسهیل‌کننده مسیر مرتبی:** نیل به کمال انسانی، امری باطنی و مرحله به مرحله است که از خلال تجربیات فردی انسان حاصل می‌شود. از این رو، در این میان معلم، تنها نقش راهنما و تسهیل‌کننده مسیر دارد. بر این اساس، مرتبی به‌مثابه کوهنوردی است که با هدایت و راهنمایی مربی خویش، مسیر کمال را به تدریج می‌پیماید تا اینکه از تعالی معنوی برخوردار می‌گردد (شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۷). در مکتب زرتشت، شاگرد برای رسیدن به هدف فعال است و معلم هدایت‌کننده شاگردان می‌باشد (رستمی نسب، ۱۳۸۲)، آن‌گونه که در گاهان ۴۳ بند ۱۱ و ۱۲ آمده است: «ای اهورامزدا! تو را پاک شناختم؛ آن‌گاه که منش نیک نزد من آمد و من و نخستین بار از گفتار تو آموختم و دریافتم که بردن پیام تو به میان مردمان دشوار است؛ اما من آنچه را که به من گفتی بهترین است، به سرانجام خواهم رساند. بدان هنگام که مرا فرمان دادی: «به سوی اشته روی آور و آن را فراشناس!» سخنی هرگز ناشنیده به من گفتی: «بکوش تا سروش در اندرون تو راه یابد و پرتوی دهش ایزدی را دریابی که به هر دو گروه پاداش و پادافره می‌بخشد» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۴۱).

۴. **لزوم هماهنگی اندیشه، رفتار و گفتار معلم:** معلمی که می‌خواهد، مرتبی را در کشف و شناخت

وجود خویشتن یاری کند، باید خود از اندیشه، گفتار و کردار یکسان و هماهنگی برخوردار باشد. هماهنگی میان اندیشه، گفتار و رفتار معلم، سبب باورپذیری وی از سوی مرتبی می‌شود. این امر خود، نقش بسزایی در تسهیل و تسریع جریان خودشناسی دارد. بزرگ‌ترین هدف زرتشت از آموزش‌های دینی و اخلاقی، برانگیختن کردار نیک و پرورش اندیشه پاک میان مردم بوده است. مهم‌ترین اصول عملی و اخلاقی در مذهب زرتشت، اصول سه‌گانه کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک بوده است، هر زرتشتی موظف بود که این سه اصل را شعار مذهب خود بداند و بدان عمل کند و آنان را خوی خویش سازد (وکیلان، ۱۳۸۵، ص ۱۸): «ای اهورامزدا! با منش نیک و آشه به سوی ما آی و به گفتار راست خویش، زرتشت را و همه ما را دهش زندگانی دیرپای ارزانی دار. ما را نیروی مینوی و شادمانی بخش تا بر ستیزه و آزار دشمنان چیره شویم» (گاهان ۲۸ بند ۶؛ دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۸).

ویژگی‌های مرتبی از نگاه آئین زرتشت؛ نگاه انسان‌شناسی

۱. **تحول درونی برای دستیابی به پیش‌همراهی اندیشه و عمل:** از نگاه زرتشت، کشف لایه‌های باطنی وجود، رشد و تحول درونی مرتبی را به همراه دارد. این امر خود موجب وحدت شخصیتی و هماهنگی میان اندیشه، گفتار و رفتار وی می‌گردد. در آیین زرتشت، به راستگویی در فکر، سخن و عمل تأکید فراوان شده است. در این خصوص، می‌خوانیم: «انسان راستگو استوار و محکم است و هرگز سختی‌ها همت او را سست نمی‌سازد. تا مرا تاب و توانایی هستت تعلیم خواهم داد که مردم به سوی راستی روند و راستی یگانه فضیلت است، راستی شادمانی است، شادمانی از آن کسی است که همیشه راستگو و درست کردار است» (وکیلان، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

۲. **تأثیرپذیری و الگوسازی:** دین زرتشت یک دستور عملی زندگی است، اصولاً فلسفه زرتشت دارای بعد اخلاقی بسیار قوی دارد و این نظر را اوستا و نیز سایر نوشته‌های مذهبی آیین زرتشت تأیید می‌کند (ضمیری، ۱۳۷۳، ص ۲۷)؛ بر این اساس، یکی از ویژگی‌هایی که مرتبی باید از آن برخوردار باشد، تا مسیر تکامل انسانی خویش را ببیماید، تأثیرپذیری و الگوسازی از معلم است. زمانی که مرتبی، از معلمی که خود، اسوه اخلاق و الگوی عملی کاملی در زمینه فضائل اخلاقی است، تأثیر می‌پذیرد و او را الگوی خویش قرار می‌دهد، در مسیر رشد باطنی گام برمی‌دارد و به تعالی می‌رسد.

۳. **سعی و تلاش در مسیر کمال تدریجی انسانی:** مرتبی وظیفه دارد برای نیل به این مهم، کاهلی و

تنبلی را از خود دور سازد و با سعی و تلاش مستمر، در راستای تحقق این جریان گام بردارد. در گاهان ۴۳ بند ۱۴ آمده است: «ای مزدا! تو با شهریاری مینوی خویش و در پرتوی اشته، پیروان مرا پناه بخش تا من و همه آنان که منتره تو را می‌سرایند، به پا خیزیم و از آموزش‌های تو پشتیبانی کنیم» (دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۴۲). در جای دیگر، رسیدن به هدف در گرو رنج و سختی بردن مطرح شده است. بنابراین، تعلیمات زرتشت سابق به عمل و همت و فعالیت زندگی است (رضازاده شفق، ۱۳۳۵، ص ۱۳۱).

۴. **حق‌شناسی و سپاس‌گذاری از معلم:** از دیگر ویژگی‌هایی که آیین زرتشت، در نیل به کمال انسانی قائل است، حق‌شناسی و سپاس‌گذاری از معلمی می‌باشد که به‌عنوان یک راهنما در طی مسیر کمال، او را یاری کرده است. در فرگرد ۸ بند ۶ و نندیداد آمده است: «ای زرتشت مقدس کسی را معلم روحانی بخوان که تمام شب مطالعه کند و از خردمندان درس بیاموزد تا از تشویش خاطر فارغ گردد و در سر پل صراط با قوت قلب و نشاط باشد و به عالم مقدس جاودانی یعنی بهشت نائل گردد.» وقتی معلم دارای چنین صفاتی شد، باید نسبت به او حق‌شناس بود و برای او دعا کرد. در یسنا (گاهان) آمده است: «بشود آن نیک‌مردی که راه راستی و درستی را به ما نشان داد در هر دو جهان پاداش نیک یابد». بر همین اساس، رابطه بین معلم و شاگرد بر پایه مهر و اخلاص بود (صدیق، ۱۳۳۶، ص ۶۱).

نقد و بررسی

با توجه به آنچه در باب انسان‌شناسی زرتشت و دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن بیان شد، می‌توان بسیاری از اندیشه‌ها و مفاهیم این دین را در زمینه شناخت انسان و استلزام‌های تربیتی آن مطلوب ارزیابی کرد، ولی بی‌تردید این اندیشه‌ها و مفاهیم در دین اسلام به نحو کامل‌تری نمود پیدا کرده و به‌طور مفصل مورد بحث قرار می‌گیرند. برای نمونه بر اساس بینش زرتشت، خودشناسی دارای چهار بعد ارتباط با اهورامزدا، سایر انسان‌ها، جهان هستی و نیز خویشتن می‌شود، اما تبیین این تعاملات چهارگانه همه‌جانبه، عمیق و کامل نیست و در هر ارتباط، تنها به جنبه‌هایی از آن تأکید می‌شود. از جمله، می‌توان به ارتباط خود با اهورامزدا اشاره کرد که پرورش فروزده‌های اهورایی و هومن، اشا، خشترا، سپتا آرمیتی، ه‌اروتات و امرتات انسان را به خودشناسی و خداشناسی می‌رسد؛ گرچه در این تعامل، مفهوم اطاعت و بندگی نهفته است، ولی تجلی کامل و عملی این مفهوم در اسلام، در ارتباط

انسان با الله مشاهده می‌کنیم؛ آنجا که در قرآن اساساً هدف از آفرینش انسان، شناخت و بندگی (عبودیت) باری تعالی بیان می‌شود. آن‌گونه که در سوره ذاریات آیه ۵۶ می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». همچنین در بینش زرتشت، در ارتباط انسان با اهورامزدا، انسان مقام دوستی و یآوری اهورامزدا را به دست می‌آورد که بر مبنای آن، بایستی اهورامزدا را در نیل به هدف نهایی خود، که استقرار خیر کامل در سراسر جهان و مبارزه با شر است، یاری رساند (تیواری، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵). اما از دیدگاه قرآن، مقام انسان آنچنان والا و متعالی است که خداوند او را به جانشینی خود در زمین انتخاب کرده است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره: ۳۰، نصری، ۱۳۶۱، ص ۱۸۶).

در زمینه ارتباط انسان با سایر انسان‌ها، زرتشت به لزوم آراستگی به فروزده‌های خشترا (شهریاری مینوی) و سپتا‌آرمیتی (مهر و فروتنی) تأکید می‌کند. بر اساس چنین نگرشی، ارتباط انسان با سایر انسان‌ها، ارتباطی مبتنی بر مهرورزی و احساس مسئولیت در جهت برپایی صلح و آبادانی جهان است. اما این مفاهیم و آموزه‌ها به گونه تکامل‌یافته‌تری در اسلام تحقق می‌یابد. در اسلام روح انسان، به صورت فطری، دارای یک سلسله‌گرایش‌های معنوی، شناخت‌های ارزشی و باورهای اخلاقی می‌باشد. این بعد به انسان این امکان را می‌دهند که فعالیت‌های خود را از محدوده مادیات توسعه دهد و تا افق عالی معنویات بکشانند (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶). از جمله گرایش‌های معنوی فطرت انسان، ارزش‌های انسانی همچون نوع‌دوستی، گذشت و ایثار، مهربانی، کمک و همیاری و... هستند که در تنظیم و بهبود روابط میان انسان‌ها مؤثر می‌باشند. اسلام، همواره بر ارتباط میان انسان‌ها بر اساس عدل و احسان و التزام به باورهای اخلاقی تأکید دارد. اسلام ارزش‌های انسانی را لازمه سعادت و تکامل زندگی اجتماعی مسلمانان می‌داند. به‌گونه‌ای که بسیاری از تکالیف و عبادات در این دین نمود و جلوه‌ای از ارزش‌های انسانی هستند و به بهبودی اوضاع اجتماعی و روابط میان انسان‌ها کمک می‌کنند که از آن جمله می‌توان به انفاق، تعاون، امر به معروف و نهی از منکر و... اشاره کرد (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۲۶).

در بینش زرتشت «هومن»، یا اندیشه نیک اولین گام در تعالی معنوی انسان معرفی می‌شود. نیک‌اندیشی مبنایی برای نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری است و بر همین اساس، خردورزی از جمله روش‌های تربیتی برخاسته از انسان‌شناسی زرتشت می‌باشد. تأمل در تعالیم و آموزه‌های دین اسلام، حاکی از محوریت خرد و اندیشه‌ورزی در تمامی امور و ابعاد زندگی انسان، اعم از فردی و اجتماعی دارد. به‌عبارت دیگر، مفهوم خرد در اسلام بر اساس توصیه‌های مکرر آیات قرآن به تعقل و تفکر در آفرینش، جهان هستی و حیات آدمی، به صورت کامل‌تر و پرنرنگ‌تر تبیین می‌شود. به‌گونه‌ای که قرآن

یکی از عناصر اصلی و سازنده وجود انسان را نیروی عقل و اندیشه وی می‌داند و در آیات بسیاری، با الفاظ و تعابیر گوناگون بر این بعد وجودی انسان، بهره‌برداری، پرورش و تکامل آن تأکید می‌کند (نصری، ۱۳۶۱، ص ۹۲). از جمله این آیات:

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْأَيَّاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (حدید: ۱۷)؛ - «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» (انعام: ۵۰)؛ - «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲)؛ - «...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹)؛ - «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۴)؛ - «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...» (روم: ۸).

در این آیات، تعقل و تفکر به‌عنوان راهی برای خودشناسی، خداشناسی، شناخت جهان هستی و نیز تمیز میان حق و باطل و نیل به سعادت معرفی شده است. شاهد عینی و عملی جایگاه والای اندیشه و خردورزی در اسلام را، مکاتب عقلانی و فلسفی‌ای است که در عصر طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی (قرون اولیه) در جهان اسلام به منصفه ظهور رسیدند. اندیشمندان مسلمان، با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و توصیه اسلام به تعقل در راه پیشرفت علوم زمان خود کوشیدند و هم از جهات فلسفی و هم در زمینه دانش‌های زمان خود، پیشرو بودند.

به‌طورکلی، می‌توان گفت: ادیان به دلیل تعلق داشتن به شرایط زمانی، مکانی و فرهنگی گوناگون از برخی جهات با یکدیگر تفاوت دارند. این امر موجب وجود برخی کاستی‌ها و به تبع نسخ ادیبانی شده است که تقدم زمانی بر ادیان دیگر دارند. از سوی دیگر، از آنجاکه میان برخی از مفروضات و مفاهیم ادیان اشتراکاتی وجود دارد، ادیان در خط سیر تکامل و تحول خود در وجوه اشتراکشان، صورت تکامل یافته‌تری می‌یابند و موجب تعمیق و غنای هرچه بیشتر اشتراکاتشان می‌شود. مطالعه ادیان متقدم، همواره راهی است در جهت درک و دریافت ادیان متأخر؛ زیرا این ادیان گشایش‌گر فهم عمیق‌تر نسبت به مفروضات و مفاهیم مشترکی است که در سیر تکاملی ادیان تحول می‌یابند.

نتیجه‌گیری

در جهان‌بینی زرتشت، انسان موجودی دوعدی است: علاوه بر بعد مادی یا جسم، دارای بعد غیرمادی یا روح می‌باشد. این بعد معنوی در آیین زرتشت، دارای پنج نیروی نهادی و باطنی است که به ترتیب

عبارتند از اهو، دئنا، بئوذ، اورون و فروهر. در بینش زرتشت، انسان بر مبنای امکانات و قابلیت‌هایی که هریک از این نیروها برایش فراهم می‌آورند، در مسیر تعالی روحی خویش گام برمی‌دارد و با گذر از گام‌های اندیشه نیک، بهترین راستی، شهریاری مینوی، عشق و فروتنی، رسایی و جاودانگی به کمال انسانی می‌رسد. نتایج مترتب بر این مفهوم نزد زرتشت، دلالت‌های ژرفی برای تعلیم و تربیت دارد. اهداف تربیتی برخاسته از مفهوم انسان‌شناسی از نگاه زرتشت، چهار حیطه ارتباط انسان با خدا (مبارزه با بدی و تلاش در جهت نیل به رضایت اهورامزدا)، ارتباط انسان با جهان هستی (احترام و نگهداری از طبیعت)، ارتباط انسان با خود (آراستگی به فروزه‌های اهورایی و کسب فضایل اخلاقی) و ارتباط انسان با سایر انسان‌ها (کوشش در راه آبادانی جهان و برقراری صلح) در بر می‌گیرد. خردورزی، توأم بودن علم و عمل و درون‌نگری روش‌های تربیتی، برخاسته از این مفهوم نزد زرتشت می‌باشند.

بر اساس نگرش زرتشت به مفهوم انسان و تکامل معنوی وی، معلم الگوی کامل اخلاقی برای متربی است که می‌تواند با ایجاد تحول درونی در وی، او را در نیل به تعالی روحی یاری رساند. متربی وظیفه دارد تا با تأثیرپذیری از معلم خود و تلاش در مسیر تکامل، موجبات رشد و تحول درونی، وحدت شخصیتی و هماهنگی میان اندیشه، گفتار و رفتار و خویش را فراهم آورد و به خودآگاهی برسد.

گرچه انسان‌شناسی زرتشت و دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن مطلوب به نظر می‌رسد، ولی با توجه به خط سیر تکامل و تحول ادیان، بسیاری از مفاهیم و مفروضات مشترک میان ادیان، با ظهور ادیان جدید عمق و غنای بیشتری می‌یابد. آن‌گونه‌که در سایه ادیان متأخر، پویایی خود را از دست می‌دهد و به تدریج، رو به افول می‌گذارد. بر این اساس، آنچه ضرورت در مطالعه ادیان متقدم را توجیه می‌کند، علاوه بر شناخت هرچه بیشتر ادیان در حوزه تخصصی دین‌شناسی، آگاهی از خط سیر تحول و تکامل ادیان است؛ زیرا مطالعه ادیان متقدم، زمینه درک و دریافت عمیق‌تر از ادیان متأخر را فراهم می‌کند.

منابع

- آشتیانی، سید جلال‌الدین، ۱۳۷۴، *زرتشت (مزدیسنا و حکومت)*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- اعرافی، علیرضا و دیگران، ۱۳۸۱، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، سمت.
- افتخارزاده، محمودرضا، ۱۳۷۷، *ایران: آیین و فرهنگ*، تهران، رسالت قلم.
- اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۱، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، مرکز.
- بویس، مری، ۱۳۷۴، *تاریخ کیش زرتشتی*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، توس.
- توفیقی، حسین، ۱۳۹۱، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت.
- تیواری، کدارات، ۱۳۸۱، *دین‌شناسی تطبیقی*، ترجمه مرضیه شنکایی، تهران، سمت.
- خنجری، خداداد، ۱۳۷۵، *بیش زرتشت*، تهران، انتشارات تهران.
- دوستخواه، جلیل، ۱۳۷۰، *اوستا*، تهران، مروارید.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۵، *انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رستمی‌نسب، عباسعلی، ۱۳۸۲، «زرتشت و تربیت»، *مطالعات ایرانی*، ش ۴، ص ۶۱-۷۴.
- رضازاده شفق، صادق، ۱۳۳۵، *ایران از نظر خاورشناسان*، تهران، مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- رضوی، عبدالحمید، ۱۳۸۴، «نگاهی به تعلیم و تربیت از نگاه زرتشت»، *علوم اجتماعی و انسانی*، ش ۴، ص ۱۷۸-۱۶۹.
- رضی، هاشم، ۱۳۴۴، *زرتشت و تعلیم او*، تهران، فروهر.
- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۶۹، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- شمشیری، بابک، ۱۳۸۵، *تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان*، تهران، طهوری.
- شهزادی، رستم، ۱۳۷۱، *زرتشت و آموزش‌های او*، تهران، فروهر.
- شهزادی، رستم، ۱۳۶۷، *جهان‌بینی زرتشتی*، تهران، فروهر.
- صدیق، عیسی، ۱۳۳۶، *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران، دانشگاه تهران.
- ضمیری، محمدعلی، ۱۳۷۳، *تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام*، شیراز، راهگشا.
- قائم‌مقامی، احمدرضا، ۱۳۸۷، «ملاحظات کوتاه درباره بعضی قوای نفس در متون زرتشتی»، *ادبیات و علوم انسانی*، ش ۱۸۷، ص ۹۷-۱۱۹.
- قدردان، مهرداد، ۱۳۸۷، *جستاری در آیین زرتشت*، شیراز، رخشید.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، *تکامل اجتماعی انسان*، قم، صدرا.
- نصری، عبدالله، ۱۳۷۶، *سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب*، تهران، دانشگاه تهران.
- ، ۱۳۶۱، *مبانی انسان‌شناسی در قرآن*، تهران، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت.
- وکیلیان، منوچهر، ۱۳۸۵، *تاریخ آموزش و پرورش*، تهران، دانشگاه پیام نور.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی